

سلب آزادی

— ۲ —

ما در مقاله قبل پس از شمارش و تعیین فهرست محدودیت‌های آزادی در قوانین کیفری و مدنی و آئین نامه‌های ثبتی و قوانین مالیاتی و غیره دو موضوع را در مقام ارزش قضائی و اختلاف مفاهیم قانونی و موارد تطبیق عمل با مورد باهم سنجیدیم . یکی سلب آزادی با ملاحظه مندرجات ماده ۸۳ قانون کیفر عمومی و استنباطاتی که از آن حاصل میشود و همچنین از نظر توصیفاتی که در آن ماده تشریح شده و شخصیت کسانی که در مقام سلب آزادی افراد ملت برمی‌آیند مثل وزراء و اعضای پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم مینمایند . . . مورد مطالعه قرار دادیم و همچنین امتیازاتی که بین ماده ۳۸ و ۱۹۳ قانون کیفر عمومی بنظر میرسد تذکر دادیم اینک در دنباله آن مقاله نکاتی که برای تمیز بین سلب آزادی از نظر ماده ۸۳ و توقیف غیر قانونی از نظر ماده ۱۹۳ مورد نظر واقع میشود بیان میکنیم :

۱ - ماده ۸۳ قابل گذشت نیست ولی يك قسمت ماده ۱۹۳ موقوف بشکایت مدعی خصوصی بوده و بگذشت او از بین میرود حال اگر کفه ترازوی قضاوت از یک طرف بطرف دیگر متمایل شود ممکن است قضیه بنفع متهم و مجرمی که تحت تعقیب آمده تمام شود و این تمایل از دو وجه مورد استفاده متهم واقع خواهد شد : یکی از نظر گذر زمان دوم از نظر شکایت یا گذشت مدعی خصوصی .

وقتی عمل منتسب بمتهم را مشمول ماده ۱۹۳ که جنحه است بدانیم ممکن است از تاریخ وقوع بزه تا تاریخ اقامه دعوی در دادسرای مربوط بیش از سه سال که

دعوی بعلت حصول گذر زمان قابل استماع فرض شود البته از این حیث ارفاقی بحال متهم بعمل آمده با اینکه دعوی را مشمول عناوین مذکور در ماده ۸۳ که جنائی است دانسته و گذر زمان سه ساله نمیتواند در محیط آن قدم گذارد و از طرف دیگر يك وقت ممکن است قضیه را موكول بشكایت مدعی خصوصی بدانیم که برخورد مأمورین كشف جرائم و ضابطین دادگستری اثری بر آن مترتب نخواهد کرد و يك وقت ممکن است قضیه را چون مشمول ماده ۸۳ میدانیم محتاج شكایت مدعی خصوصی یا گذشت او از لحاظ دیگر فرض کرده متهم را بیای میز بازپرسی و بالاخره دادرسی جلب و دعوت نمود، بنابراین تماثل قاضی در تطبیق مورد با عناوین مذکور در ماده ۱۹۳ و عنوان عام ماده ۸۳ قانون کیفر عمومی اهمیت بسزا داشته و بسا اوقات ممکن است برای متهم گران تمام شود.

۲ - ماده ۸۳ مزیتی که برای مدعی خصوصی دارد پشتیبانی است که ماده ۸۴ از او در مورد ضرر و زیان و سایر خسارات نموده چه آنکه ماده ۸۵ میگوید:

« در مورد ماده ۸۳ هرگاه مدعی خصوصی که برخلاف قانون حبس شده است از راه دعوای جزائی یا حقوقی مطالبه ضرر و خسارت خود را نماید خسارت حبس کمتر از روزی پنجاه ریال نخواهد بود و مقدار سایر خسارات بر حسب اشخاص و اوضاع و احوال تعیین خواهد شد ».

بطوریکه ملاحظه میشود برای دادگاههای حقوقی هم قانون گذار ملاک و میزانی بدست داده و حد اقل را تعیین و حداکثر را موقوف بنظر دادگاه نموده است و حال آنکه ماده ۱۹۳ چنین مزیتی را برای مدعی خصوصی قائل نشده است.

ولی ناگفته نماند که بعضی خصوصیات دیگر هست که داخل در عنوان ماده ۸۴ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ قانون کیفر عمومی است و چون بطور کلی قانون گذار ذکر کرده و اختصاصی بمورد ماده ۸۳ ندانسته است مصادیق مذکور در ماده ۸۳ و ۱۹۳ هر دو قسمت را فرا میگیرد و این عناوین گاه بنفع مدعی خصوصی است و گاه

الف - هرگاه شخص مرتکب ثابت کند که بامر یکی از رؤساء که صلاحیت تحکیم را باو داشته و مجبور بامثال امر او بوده است ارتکاب واقع شده از مجازات معاف خواهد شد.

ب - ضابطین و پاسگران دادگستری موظف هستند که شکایت کسیکه برخلاف قانون حبس شده است استماع و یا تظلم عارض را بمقامات عالیه اعلام و اقدامات لازمه را در این خصوص مرعی دارند و الا مجازات خواهند شد.

ح - مستحفظین زندان و توقیف گاه نمیتوانند کسی را بعنوان محبوس بدون ورقه امری از طرف بازپرس یا دادگاه یا مقامات صلاحیت دار بپذیرند و الا بمجازات مقرر در ماده ۸۸ محکوم خواهند شد.

حال فرض کنیم کسی بدون امری از طرف مقامات صالحه مورد بازداشت واقع و در زندان محبوس گردیده و چهار روز در زندان باقی مانده و در این مدت شکایاتی بیاسگران دادگستری از قبیل مأمورین زندان نمودد ولی آنها شکایت را ترتیب اثر نداده و بمقامات عالیه اعلام نداشته اند اولاً کلمه مقامات عالیه معلوم نیست چه مقام قانونی است ثانیاً اگر هر شاکی بعداً از شکایت خود صرف نظر کرد آیا باز ضابطین دادگستری بمجازات مقرر در ماده ۸۷ میرسند یا نه؟

ظاهر امر این است که صرف عدم اعلام شکایت بمقامات عالیه یا عدم استماع شکایت عارض مورث مجازات و کیفر است ولو اینکه مدعی خصوصی از شکایت خود بعنوان باز داشت چهار روزه غیر قانونی صرف نظر کرده باشد چه آنکه قانون گذار خواسته است حرف قانونی و شکایت شاکی را حتی در قید و بند زندان ترقیب اثر بدهد. این است که این تخلف اداری را کیفر و حبس تأدیبی داده است.

۳ - بین سلب آزادی و توقیف غیر قانونی عموم خصوص است یعنی هر توقیف غیر قانونی سلب آزادی است ولی هر سلب آزادی توقیف غیر قانونی نیست چه آنکه از عبارت مذکور در ماده ۸۳ در عنوان مورد استفاده است:

۱ - آنکه « هر کس برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند ».

۲ - « افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بآنها داده محروم سازد که معلوم میشود - قانون گذار مصرحات این ماده را در کلیه موارد مربوط به آزادی اشخاص و کلیه حقوقی که قانون اساسی بملت عطا کرده است تعمیم داده و بهمین مناسبت عنوان فصل را در قانون کیفر عمومی (مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی) قرار داده است البته حقوق افراد ملت منحصر بآزادی بدنی نیست بلکه آزادی های دیگری که در قانون اساسی مذکور است از قبیل آزادی مسکن و جان و مال و آزادی نطق و بیان و امثال آن نیز مورد نظر بوده و محروم کردن افراد ملت از هر یک از آن آزادی ها و خلاصه لطمه زدن بحقوق ملت از طرف هر یک از وزراء و اعضای پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولت بمجازات مقرر در آن ماده که انفصال از شغل و محرومیت از پنج تا ده سال از حقوق اجتماعی است نائل خواهند شد و حال آنکه توقیف غیر قانونی بسلب آزادی مدنی و محدودیت فردی از افراد ملت (که بواژه بازداشت امروزه تعبیر میشود) انحصار پیدا میکنند زیرا از عبارات مذکور در ماده ۱۹۳ و مخصوصاً از کلمات جلب - توقیف اشخاص یا مخفی کردن کسی بطور عنف در محلی - به نهییه کردن مکانی برای پنهان کردن شخصی نظریه فوق ثابت و تأیید میگردد و بعبارت دیگر در سلب آزادی بطوریکه مذکور افتاد اقدام عملی که مواجه با شخص مجنی علیه باشد لازم نیست حتماً صورت بگیرد مثلاً ممکن است يك نفر وزیر یا يك كارمند پارلمان یا يك صاحب منصب و مأمور دولت من غیر مستقیم باعث محرومیت کسی از یکی از حقوقی که قانون اساسی بملت عطا کرده گردد مانند اینکه او را از آزادی نطق و بیان یا قلم ممنوع دارد در اینصورت است که ماده ۸۳ در مقابل عرض اندام کرده و دست و پای متهم را در سلسله مجازات میافکند .

۴ - ماده ۳۱ قانون کیفر عمومی میگوید :

« هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده میشود

که جزای آن اشد است « مفهوم آن در تطبیق عمل با ماده ۸۳ و ماده ۱۹۳ این است که هرگاه متهمی بعنوان بازداشت کسی تحت تعقیب درآمد و از مصادیق (سلب کردن آزادی شخصی یکی از افراد ملت) یا (توقیف شخص یا حبس او) باشد و خلاصه با هر دو عنوان ماده ۸۳ و ۱۹۳ عمل او مطابقت کند باید مجازات ماده ۸۳ که اشد است در باره او اجرا گردد.

داد نامه شماره ۴۱ دیوان کشور در يك جا می نویسد :

با صریح ماده ۱۹۳ که موضوع آن بازداشت یا حبس غیر قانونی است و تعمیم حکم آن ماده نسبت بکلیه مأمورین دولتی چنانکه در صدر عبارت ماده بیان شده دیگر موردی در این گونه موارد برای استناد بماده ۸۳ باقی نخواهد بود « و در جای دیگر یکی را داخل در عنوان دیگری و مستهلك در آن فرض کرده و می نویسد :

« ماده ۳۱ حکم عملی را معین میکند که مشمول دو عنوان کلی مختلف الحکم باشد که هر کدام مصادیق مخصوص بخود هم داشته باشد نه دو عنوان که یکی داخل در دیگری و از مصادیق آن باشد مثل عنوان بازداشت یا حبس نسبت بسلب آزادی صدور این مورد حکم عنوان خاص بموجب ماده مخصوص بخود تعیین شده است « و از این رو معلوم میشود خواسته اند بگویند که حبس غیر قانونی عنوان مذکور در ماده ۱۹۳ داخل در عناوین سلب آزادی است و چون مصادیق مختلف و مخصوص بخود را ندارند نمیتوان فرض کرد که فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم است و حال آنکه بعقیده ما عنوان (مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی) مذکور در فصل دوم از باب اول قانون مجازات عمومی با عنوان (توقیف و حبس غیر قانونی) که مذکور در فصل دوم باب سوم و خلاصه سرلوحه دو فصل تمیز دهنده دو نوع سلب آزادی است که خود مصادیق مخصوص خود را دارا بوده و یکی داخل در عنوان دیگری نمیباشد .

علی اصغر - شریف